



مسابقہ فرہنگی

# کتابت

ویزہ ولادت حضرت فاطمہ معصومہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بانوي كرامت : ويژه نامه ولادت حضرت معصومه عليها السلام

نويسنده:

اداره توليدات فرهنگي آستان قدس رضوي معاونت تبليغات و  
ارتباطات اسلامي

ناشر چاپي:

معاونت فرهنگي آستان قدس رضوي

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	بانوی کرامت : ویژه نامه ولادت حضرت معصومه علیها السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست مطالب
۱۱	مقدمه
۱۲	ریحانه حرم اهل بیت علیهم السلام
۱۳	ولادت بانوی آفتاب
۱۴	جواب سؤالات
۱۵	معصومه علیها السلام
۱۶	در سایه تربیت رضوی
۱۸	بهانه بهشت
۱۹	نشان بی نشان
۲۰	بانوی شفاعت
۲۰	شفای طلبه جوان نخبوانی
۲۲	اعمال ماه ذی القعدة
۲۳	خواهر آفتاب در آینه روایات
۲۷	سفارش پیامبر به ریحانه ها
۲۷	از فرصتها سود جوید
۲۸	حیا را پاس دارید.
۲۸	پوشش مناسب را انتخاب کنید.
۲۹	همواره دانش بجوید
۳۰	حجاب حق الله است!
۳۲	ارتباط مجازی

۳۶	بد حجاب بی دین نیست ولی...
۳۸	اسلام و مدگرایی
۴۰	تصویر منفی
۴۱	می خواهم فرشته باشم
۴۲	معیارهای انتخاب دوست
۴۲	خدایی بودن
۴۳	خردمندی
۴۳	صمیمیت
۴۴	بزرگواری
۴۴	دوستی های ممنوع
۴۶	عشق کور کورانه
۴۷	آهنگ نجات
۴۹	توضیحات شرکت در مسابقه فرهنگی «بانوی کرامت»
۵۵	درباره مرکز

## بانوی کرامت : ویژه نامه ولادت حضرت معصومه علیها السلام

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: بانوی کرامت: ویژه نامه ولادت حضرت معصومه علیها السلام / تهیه و تدوین اداره ی تولیدات فرهنگی.

مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، 1394.

مشخصات ظاهری: 45ص.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی: 5734328

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

## فهرست مطالب

تصویر

□

ص: 3





طلیعه ماه ذی القعدة مزین به قدوم بابرکت چهارمین بانوی برتر اسلام حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) دخت گرامی امام هفتم شیعیان است. از برکات این بانوی شریفه است که قم، مهد عالمان و فرهیختگان و بزرگان دین شده است. علم و فضیلت رتبت او که تربیت شده معصوم است بسی فراتر از افراد عادی خارج از دایره عصمت است، آنگونه که امام رئوف، حضرت رضا (علیه السلام) به خواهر مطهره خودشان لقب معصومه عنایت فرموده اند، که این خود حاکی از مقام والای این بانوی عظیم الشان است.

حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) دختری در اوج قله تعالی انسانی است، تا نشان دهد زن بودن چه گوهر و فضیلت گرانبهائی است و مایه فخر و مباهات و افتخار است. و چه نیکو زادروز این بانوی آسمانی به عنوان روز دختر نام گذاری شده تا اسوه حسنه ای باشد برای دختران و بانوان امت اسلام. به بهانه این فرخنده زادروز و روز دختر و شروع دهه پربرکت کرامت شمّه ای از فضایل و کرامات این بانوی جلیل القدر را تقدیم دختران و بانوان سرزمین آفتاب می کنیم تا چراغ راهی باشد فراروی زندگی صاحبان مهر و عاطفه.

## ریحانه حرم اهل بیت علیهم السلام

هنوز موسی بن جعفر (علیه السلام) متولد نشده بود، که پدرش از فاطمه می گفت. دختری که قرار است بانوی قم شود. امام صادق (علیه السلام) هیچ وقت فاطمه اش را ندید، اما درباره اش گفت: برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حرمی است و آن مدینه است و برای امیرالمومنین (علیه السلام) حرمی است و آن کوفه است و برای ما اهل بیت هم حرمی است که قم است. به زودی زنی از فرزندان من در آن دفن می شود که نامش فاطمه است و زیارتش برابر است با بهشت.



شهر مدینه چشم به راه تولد کودکی از خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله بود. خانه ی امام کاظم (علیه السلام) حال و هوای دیگری داشت. نجمه همسر آن بزرگوار به امید تولد فرزند روز را به شب و شب را به روز می رساند.

شور و شادی در خانه ی امام موسی بن جعفر (علیه السلام) موج می زد. سرانجام انتظارها سرآمد و در اول ذی القعدة سال 173هـ - ق. خداوند دختری به امام هفتم حضرت امام کاظم (علیه السلام) بخشید و نوزادی نورانی و خوش سیما در خانه ی با صفای امام، چشم به جهان گشود. دل همه ی اهل خانه از تولد فرزند جدید غرق شادی شد. پس از امام، شاید کسی به اندازه ی نجمه همسر حضرت خوشحال نبود.

زیرا پس از 25 سال این دومین فرزندی بود که دست لطف پروردگار به نجمه عنایت می فرمود. امام کاظم (علیه السلام) به خاطر عشق و علاقه ی خاصی که به حضرت زهرا (علیها السلام) داشت، نام دختر تازه به دنیا آمده ی خود را «فاطمه» نهاد. پاک سرشتی و پرهیزگاری او به اندازه ای بود که پس از مدتی «معصومه» نامیده شد. چون مانند پدر گرامی اش از گناه

و بدی دور بود.

فاطمه(علیها السلام) کوچک بود. ده سال نداشت هنوز. پدر سفر بود. رفته بود حج. همان زمان گروهی از شیعیان شهرهای دور برای دیدن امام کاظم(علیه السلام) آمده بودند. سوالاتی هم داشتند. وقتی فهمیدند امام(علیه السلام) مدینه نیست، خیلی ناراحت شدند. اما دلشان نیامد همان طور بروند. دست خالی. سوالاتشان را در برگه ای نوشتند و به فاطمه(علیها السلام) دادند که اگر امام(علیه السلام) تا چند روز آینده بازگشتند پاسخ دهند.

گفتند قبل از رفتن برای گرفتنش می آیند. کورسوی امیدی داشتند هنوز. دوباره آمدند و امام(علیه السلام) هنوز نیامده بود. سوالاتشان را گرفتند که بروند. اما کاغذ را که باز کردند، جواب همه سوالات نوشته شده بود. کامل، درست، مستدل. کار فاطمه(علیها السلام) بود.

خدا هوای دلشان را داشت. توی راه برگشت امامشان را دیدند. بعد درباره جواب سوالات گفتند. امام(علیه السلام) برگه را گرفت، پاسخ ها را خواند، بعد لبخند زد و سه بار گفت: فداها ابوها..؛ پدرش به فدایش.

تاریخ فقط یکبار دیگر این جمله را شنیده بود. از زبان رسول خدا(صلی الله علیه و آله) برای فاطمه اش. حالا موسی بن جعفر(علیه السلام) می گفت برای فاطمه اش. و دیگر این جمله در حق کسی تکرار نشد.

نامی که پدر برایش گذاشت فاطمه بود. لقب معصومه را بعدها برادرش به او داد. علی بن موسی الرضا(علیه السلام) وقتی گفت: «من زار المعصومه بقم کمن زارنی» ... هرکس معصومه را در قم زیارت کند، انگار مرا زیارت کرده است...

لقبش را معصومه گذاشت تا از عصمتش بگوید. مقام والایی که نزد خدا دارد.



## در سایه تربیت رضوی

فاطمه معصومه(علیها السلام) تنها به عنوان خواهری که برادرش، علی بن موسی الرضا(علیها السلام) را دوست بدارد و بخاطر برادری و خواهری، دل در گرو محبت او گذاشته باشد نیست. گرچه "فاطمه"(علیها السلام) و "رضا"(علیه السلام) هر دو از یک پدر و مادرند و از یک پستان پاک شیر خورده و در یک دامن لایق و عقیف، بزرگ شده و با نوازش دست ها و نگاه های یک پدر و مادر رشد کرده اند، لیکن فاطمه معصومه(علیها السلام)، تربیت شده برادرش حضرت

"رضا(علیه السلام)" است .

دودمان او ، خانواده یک زندانی راه حق و اسیر در دست ستمگران است . پدرش حضرت موسی بن جعفر(علیه السلام) مبعوض دربار هارون الرشید گشته و به امر او بازداشت و زندانی شده است. این حبس و زندان هم سالها طول کشیده و تا شهادت آن امام ادامه یافته است. خانواده امام، به درد هجران پدر مبتلاست، ولی چون اسارت پدر به خاطر خدا و دین و حریت است، با همه سختیهایش، برای فرزندان، قابل تحمل است، چون خدا راضی است.

در این همه سال که موسی بن جعفر(علیه السلام) در زندان های مختلف به سر می برد، امام رضا(علیه السلام) عهده دار تربیت و متکفل

زندگی خواهرش حضرت معصومه (علیها السلام) و دیگر خواهران است. در نبود پدر، رسالت رهبری و مسؤولیت رسیدگی به تربیت فرزندان و حل مشکلات خانواده امام محبوس، بر دوش اوست. حتی رسیدگی به خاندان های علوی، که امام کاظم (علیه السلام) سرپرستی یا سرکشی و رسیدگی به آنان را عهده دار بوده، در این دوران سخت و غم آلود، بر عهده حضرت رضاست.

مورخین، تعداد خانواده هایی را که از طریق امام هفتم موسی بن جعفر (علیه السلام) اداره می شدند و تحت تکفل ایشان بودند تا پانصد خانواده ذکر کرده اند. تأثیر تربیتی امام رضا (علیه السلام) را بر خواهر معصومه (علیها السلام)، نمی توان نادیده گرفت.

بی جهت نیست که این بانوی جوان، در دانش و کمال، در حدیث و فضل، در ایمان و ثبات قدم، در اراده و فداکاری و هجرت، پایگاه و جایگاه بلندی یافته و به مرز " عصمت " رسیده است و دلهای عاشقان عترت را مجذوب خود ساخته است و عالمانی فرزانه و فقیهانی بلند مرتبه، به آستان بوسی او افتخار کرده و می کنند و سلام به او را هر صبح و شام، توفیقی الهی برای خود می شمروند.



آنقدر از تلاقی زیارتش با بهشت گفته اند که داخل حرم ناخودآگاه دنبال فرشته می گردی. همه جا نوشته «من زارها فله الجنة»... هرکس زیارتش کند، پاداشش بهشت است.

حضرت معصومه (علیها السلام) خیلی بزرگ است. خیلی عزیز خداست که امام صادق (علیه السلام) درباره اش گفته: با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند!



هفتاد سال اولین زائر حضرت بود. صبح ها، قبل اذان، پشت در حرم می ایستاد تا در را باز کنند. می گفتند کبوتر حرم حضرت معصومه (علیها السلام) است. به نصیحت پدرش برای زیارت حضرت معصومه (علیها السلام) به قم آمده بود و تا آخر عمر همان جا ماندگار شد. پدر آیت الله مرعشی از زاهدان معروف نجف بود. به هر وسیله ای دنبال قبر حضرت زهرا (علیها السلام) می گشت. ختم مجربی گرفت و چهل شب در حرم امیرالمومنین (علیه السلام) بیتوته کرد. شب چهارم به محضر یکی از ائمه می رسد. امام در جواب خواسته اش می فرماید: «علیک بکریمه اهل البیت» خداوند قبر حضرت معصومه (علیها السلام) را تجلیگاه قبر فاطمه (علیها السلام) قرار داده است و جلال و جبروت قبر فاطمه (علیها السلام) را به قبر فاطمه معصومه (علیها السلام) بخشیده. به زیارت فاطمه معصومه (علیها السلام) در قم برو.



ایام فاطمیه بود. عالم بزرگ، محدث قمی بالای منبر رفته بود. داشت از عظمت مقام حضرت معصومه (علیها السلام) می گفت که به رویش رسید. آن شبی که مرحوم میرزای قمی را در خواب دیده بود و پرسیده بود: آیا شفاعت اهل قم به دست حضرت معصومه است؟ میرزا، چهره اش را در هم کشیده بود که: شفاعت اهل قم که با امثال من است. حضرت معصومه (علیها السلام) عالم را شفاعت می کند!

### شفای طلبه جوان نخبوانی

حضرت آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه می فرماید: بعد از فروپاشی شوروی سابق و آزاد شدن جمهوری های مسلمان نشین، مردم شیعه نخبوان تقاضا کردند که عده ای از جوانان خود را به حوزه علمیه قم بفرستند تا برای تبلیغ در آن منطقه تربیت شوند.

مقدمات کار فراهم شد و استقبال عجیبی از این امر به عمل آمد. از بین (سیصد نفر داوطلب) پنجاه نفری که معدل بالایی داشتند و جامع ترین آنها بودند برای اعزام به حوزه علمیه قم انتخاب شدند. در این میان جوانی که با داشتن معدل بالا، به سبب اشکالی که در یکی از چشمانش وجود داشت انتخاب

نشده بود با اصرار فراوان پدر ایشان، مسوول مربوطه ناچار از قبول ایشان شد، ولی هنگام فیلمبرداری از مراسم بدرقه از این کاروان علمی، مسوول فیلمبرداری دوربین را روی چشم معیوب این جوان متمرکز کرده و تصویر برجسته ای از آن را به نمایش گذاشت. جوان با دیدن این منظره بسیار ناراحت و دل شکسته می شود.

وقتی کاروان به قم رسید و در مدرسه مربوطه ساکن شدند این جوان به حرم مشرف شده و با اخلاص تمام متوسل به حضرت می شود، و در همان حال خوابش می برد. در خواب عوالمی را مشاهده کرده و بعد از بیداری می بیند چشمش سالم و بی عیب است.

او بعد از شفا یافتن به مدرسه برمی گردد، دوستان او با مشاهده این کرامت و امر معجزه آسا، دسته جمعی به حرم حضرت معصومه (علیها السلام) مشرف شده و ساعتها مشغول دعا و توسل می شوند. وقتی این خبر به نخجوان می رسد آنها مصرانه خواهان این می شوند که این جوان بعد از شفا یافتن و سلامتی چشمش به آنجا برگردد که باعث بیداری و هدایت دیگران و استحکام عقیده مسلمین گردد. منبع: سایت شهید آوینی

ماه ذی القعدة، اولین ماه از ماه های حرام می باشد. سید بن طاووس روایتی نقل کرده که ذی القعدة ماه اجابت دعا است به هنگام شدت و گرفتاری ها و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روز یکشنبه این ماه نمازی با فضیلت بسیار روایت کرده که هر که آن را بجا آورد، توبه اش مقبول و گناهش آمرزیده خواهد شد و دشمنانش در روز قیامت، از او راضی می شوند و همچنین، با ایمان می میرد و دینش گرفته نمی شود. قبرش گشاده و نورانی خواهد شد و والدینش از او راضی گردند، مغفرت شامل حال والدین او و ذریه او می شود و توسعه رزق پیدا می کند و... .

طریقه ی بجا آوردن آن اینگونه می باشد که: در روز یکشنبه غسل کند و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز گذارد، در هر رکعت یک مرتبه حمد و سه مرتبه (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) و هر کدام از سوره های فلق و ناس را یک بار بخواند. پس از اتمام نماز هفتاد مرتبه استغفار کند و ختم کند استغفار را به: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» پس بگوید: «يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.» همچنین روایت شده است که هرکس در یکی از ماه های حرام، سه روز متوالی که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد را روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته خواهد. مفاتیح الجنان

## خواهر آفتاب در آینه روایات

شناخت او کاری بس دشوار است. در وصف او چه می توان گفت، آنگاه که در زیارتش که از ناحیه امام رضا(علیه السلام) وارد است

میگوئیم:

فانّ لك عندالله شاناً من الشان(1)

ترا نزد خدا جایگاهی بس بلند و رفیع است.

و چه می توان در مدح او نوشت؟ آنجا که در همین زیارت او را

صاحب شفاعت می خوانیم:

يا فاطمه اشفعي لنا في الجنة

او صاحب شفاعت بزرگ است. شفاعتی که تمام شیعیان را شامل می شود:

...و تدخل بشفاعتها شيعتي الجنة باجمعهم(2)

تمام شیعیانم با شفاعت او داخل بهشت می شوند.

او کیست که ثمره زیارتش بهشت است؟ وعده ای که از زبان چهار امام (امام صادق(علیه السلام)، امام کاظم(علیه السلام)، امام رضا(علیه السلام) و امام جواد(علیه السلام) ) به زائرانش داده شده است.(3)

وشگفتا در برخی از این روایات زیارت آن بانوی آسمانی مشروط

ص: 17

---

1- بحار/ج99/266/ حدیث 4

2- بحار/ج57/ص228/ حدیث 59

3- عیون اخبار الرضا/ شیخ صدوق/ج1/ص299

به قیدی شده است که درباره معصومان آمده است. زیارت عارفانه (عارفاً بحقّها)! زیارتی که همراه با شناخت حق فاطمه معصومه (علیه السلام) باشد! به راستی حق آن بزرگ بانو چیست؟ که شرط کمال زیارت اوست؟ آیا این به آن معنا نیست که عظمت فاطمه معصومه (علیها السلام) فقط به دختر و خواهر امام بودن نیست. او دارای مقامات علمی و معرفتی و مراتبی از عصمت است که مخصوص خود اوست. درست مانند جده اش فاطمه (علیها السلام) که عظمتش فقط به خاطر دختری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و همسری علی (علیه السلام) و مادری حسین (علیه السلام) نیست. عظمت فاطمه (علیها السلام) به خاطر عظمت خود اوست. اینک این دختر،

با همین نام، آئینه تمام‌نمای مادر است؛ فاطمه دوم است. این است که شیعه باید بداند آنگاه که به زیارت او می‌ایستد و لا اله الا الله و سبحان الله می‌گوید، هم او را جزو اهل بیت و ذریه پیامبر باید بداند که محبت به آنها واجب و لازم است. هم معتقد باشد شرط کمال ایمانش محبت به این بزرگ است. او را معصومه، عالمه و زکیه بداند. (1) او را شفیع روز جزا بداند که همه شیعیان را شفاعت می‌کند. یقین داشته باشد حیات و ممات او فرقی ندارد و او زنده و ناظر اعمال ماست. باور داشته باشد، او مراتب بالایی از عصمت و طهارت را دارد که حتی یک مکروه از او سرزده است. او یکی از اولیاء و الامقام الهی است که در مقام قرب مخصوص حضرت حق جای دارد. و باور داشته باشد که او پس از فاطمه زهرا (علیها السلام) و زینب کبری (علیها السلام)، بانوی سوم عالم اسلام است. او را آئینه جمال و کمال حضرت زهرا (علیها السلام) و تجلی آن حضرت بداند. او در میان تمام امامزادگان، مانند نگینی است که می‌درخشد. با او "قم"، "قم" شد. و جایگاه بی‌نظیر خود را در آخرالزمان پیدا کرد. و هرچه گویم و گویی در وصف آن فاطمه ثانی کم است و قطره‌ای در مقابل دریا... حالا بیا و در کنار و جوار برادرش با این نگاه و با این معرفت بگو:

السلام علیک یا فاطمه المعصومه (علیها السلام)

ص: 19

---

1- - در زیارت غیر معروفه آن حضرت آمده است: السلام علیک ایتها الطاهره الحمديه کبیره الرشیده التقیه الرضیه المرضیه (رک. تجلی کوثر - تحقیق در زیارات حضرت معصومه/ص 250)



تصوير

jpg.20

ص: 20

## سفارش پیامبر به ریحانه ها

وقتی باور غالب جامعه، «زن» را مایه عار می دانست و از «دختر» نفرت داشت و حتی آن را زنده به گور می ساخت؛ در چنین محیطی، «اسلام» جایگاه انسانی زن را احیاء کرده و او را ریحانه؛ یعنی شاخه گلی ظریف می نامد. یکی از ارمغان های زیبای پیامبر، شخصیت دادن به دختر وزن می باشد. بدان حد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمود:

- بهترین فرزندان شما، دخترانتان می باشند.

- از خوش قدمی زن، این است که نخستین فرزندش دختر باشد.

و چون به نبی خاتم بشارت دختر می دادند، می فرمود:

گلی است که خدا، روزیش می دهد و تامین او با خداست.

بر خود ببالید و از آن دسته دخترانی باشید که پیامبر درباره ی ایشان فرمود:

چه خوب فرزندانى اند دختران محبوب!

## از فرصتها سود جوید

محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) فرمود:

دنیا ساعتی است. زندگی کوتاه تر از آن است که دست کم گرفته شود.

لحظات زندگی را جدی بگیرید و فرصت جوانی را دریابید؛ «جوانی» یک نسیم رحمت است. آن گونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمود: در ایام زندگی تان نسیم های رحمتی می ورزد مراقب باشید خود را در معرض آن قرار دهید.»

## حیا را پاس دارید.

«حیا» سرچشمه همه زیباییهاست و در فقدان حیا، هیچ کار زیبایی انجام نمی شود و هیچ کار زشتی ترک نمی شود.

حیا همان دگرگونی حال و انکسار و دوری گزینی از کار زشت است؛ به خصوص آنکه انسان احساس کند که ناظری او را می بیند. و آگاهی و نظارت خداوند، عامل برانگیختن حیا است. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود:

« شرم کنید امروز از اینکه خداوند از تمام امور شما، مطلع است.»

بزرگترین سرمایه دختر و زن مسلمان «حیا» است که ثمره آن، مهار شهوت و تضمین عفت او خواهد بود.

## پوشش مناسب را انتخاب کنید.

پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) بر پوشش زن در مقابل نامحرم و دوری از جلوه گری و خود نمایی اصرار می ورزید و قرآن، همپای توصیه به مردان در دوری از چشم چرانی و رعایت پوشش بدن از نامحرم، به زنان نیز توصیه می کند که دیدگان خود را فرو خوابانند و عفت پیشه کنند. به دو آیه ذیل دقت کنید:

1. «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو: پوشش های بلند (جلباب) خود را بر خویش فرو افکنند.»

2. «به زنان مؤمن بگو: دیدگان خود را فرو خوابانند و عفت پیشه ساخته، دامن خود را از بیگانگان بپوشانند و زیور خویش را جز برای شوهران و سایر محارم، آشکار نکنند مگر آنچه پیدا است، و روسری های (خُمُر) خویش را به گریبان ها اندازند تا سر و گردن و

سینه و گوش ها پوشیده باشد، و پاهایشان را به زمین نکوبند تا آنچه از زینت پنهان می کنند، معلوم شود».

## همواره دانش بجوید

هیچ وقت از یادگیری و دانش آموزی خسته نشوید و به فکر فارغ التحصیلی نیفتید. این توصیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را همواره به یاد داشته باشید که می فرمود:

«چهار چیز است که هر باهوش و خردمندی باید به آن پایبند باشد؛ شنیدن دانش، حفظ کردن، نثر دادن و عمل به دانش.»

پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمود:

«زنان انصار، خوب زنانی هستند! شرم، مانع فقاقت آنان در دین

نمی شود.»

بهترین مطالبی که شایسته است دختران جوان یاد بگیرند، چیزهایی است که در بزرگسالی مورد نیازشان باشد و بتوانند در زندگی اجتماعی از آموخته های دوران جوانی خود، استفاده نمایند.

قدردان والدین خود باشید.

در خوبی کردن، کرنش و فروتنی به پدر و مادر خود، کوتاهی نکنید؛ خوشا به حال کسی که پدر و مادرش را نیکی کند!

شخصی درباره دوست داشتنی ترین کار از پیامبر (صلی الله علیه و آله) سؤال کرد و آن حضرت نخست به «گزاردن نماز اول وقت» اشاره فرمود و آنگاه از «نیکی به پدر و مادر» یاد کرد.

منبع: فصلنامه کوثر

ص: 23

## حجاب حق الله است!

شنیده اید بعضی ها می گویند حجاب برای زن محدودیت می آورد؟ یا اینکه می گویند این محیط خانواده و همسر است که یک زن را وادار به داشتن حجاب می کند؟

مسئله حجاب در میان زنان و دختران مسلمان چیزی نیست که به دلیل خواست همسر و یا خانواده برای زنان و دختران به وجود آمده باشد. مثلاً یک مرد حق ندارد بگوید من راضی هستم پس همسر من می تواند حجاب خود را بردارد، یا اینکه اعضای خانواده رضایت بدهند تا دخترشان بدون پوشش مناسب در جامعه ظاهر شود. حتماً در فیلمهای غربی و یا اخبار مربوط به آنها دیده و یا شنیده اید که مثلاً زنی به همسر خود خیانت می کند و در دادگاه با رضایت اعضای خانواده یا همسرش پرونده اشتباه او بسته می شود و خطایش نادیده گرفته می شود. اما قضیه در اسلام به شکل

دیگری است.

حجاب زن در دین اسلام یک مسئله و حق الهی بوده و کسی نمی تواند آن را ببخشد یا نادیده بگیرد. قرآن از حرمت و حیثیت زنان به عنوان «حق الله» یاد می کند به همین دلیل است که حیثیت یک زن حریم خداوند محسوب می شود. در حقیقت

ص: 24

زنان، امین و مورد اعتماد خداوند در روی زمین هستند و خداوند آنها را خلق کرده تا مهر و عاطفه را با پاکدامنی در جامعه گسترش دهند.

کتاب زن در آیینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی

ص: 25

تغییرات به وجود آمده در شیوه های همسریابی جوانان از اموری است که بسیاری از خانواده ها را بامشکلات زیادی روبه رو کرده است. معیار انتخاب همسر، نحوه ی شناخت همسر، توقعات زن وشوهر جوان از یکدیگر و موارد مشابه، تحت تأثیر دگرگونی های فرهنگی جامعه، جوانان را در شرایط دشوار و متفاوتی نسبت به گذشته قرار داده است. رودررو شدن دو نفر و باز شدن باب آشنایی به شیوه ها و طرق مختلف روی می دهد، یکی از این راهها از طریق اینترنت است.

امروزه با حضور اینترنت در جامعه، برای برخی جوانان پایش گذاشتن برای آشنایی تا حدودی بر عهده ی سایت های همسریابی گذاشته شده است.

هر چند همسریابی اینترنتی در کشور ما عمر کوتاه و نوپایی دارد، اما سایت های خارجی مشابه سال هاست روی اینترنت فعالیت و تبلیغ دارند. ظهور چنین سایت های در کشور نشان دهنده گسترش راه های نفوذ اینترنت در حوزه ها غیر

تخصصی و اجتماعی است. امروزه سایت های همسریابی اینترنتی به زبان فارسی محدود نیستند و هم اکنون چندین سایت در این زمینه فعالیت دارند. این سایت ها روز به روز گسترش می یابند و با تبلیغات گوناگون همواره توجه هر بیننده ای را به سوی خود جلب می کنند. کسانی که تمایل دارند به کمک اینترنت همسریابی کنند با مراجعه به سایت ها، نام و نشان خود را در فرمهای ویژه ای وارد می کنند و سپس به پرسش هایی از ویژگی های شخصیتی و خصوصیات مدنظرشان درباره شریک زندگی خود پاسخ می دهند و حتی می توانند عکس خود

را نیز کنار آگهی قرار دهند.

در سایت های همسریابی اسلامی علاوه بر این گونه اطلاعات، از افراد درباره مسائلی چون غذایی که به آن علاقه مندند و میزان تعهد و پایبندی آن ها به رعایت موازین دینی و... پرسشهایی مطرح می شود. در صورتی که زن و مرد در این مرحله همدیگر را پسندند با رد و بدل کردن ایمیل و شماره تلفن به ارتباط خود ادامه می دهند و پس از چندی معمولاً پیشنهاد ازدواج را مطرح می سازند. البته گاهی نیز این زنان هستند که برخلاف سنت غالب در جوامع اسلامی، پیشنهاد ازدواج می دهند.

در زمینه آشنایی اینترنتی در صورتی که رابطه به مفسده ای منتهی



نشود اشکالی ندارد، ولی با توجه به حساسیت مسئله‌ی همسرگزینی و شرایط فراوانی که احراز آن‌ها لازم است، انتخاب همسر مناسب از این طریق مشکل به نظر می‌رسد؛ مگر اینکه در مراحل بعدی تحقیقات مفصلی صورت گیرد.

همچنین از آنجا که این روش بسیاری از واقعیت‌ها را پنهان نگه می‌دارد، اکتفا کردن به این روش ممکن است هرگز به واقعیت ختم نشود.

از آنجا که ازدواج نقطه‌ی عطف زندگی است و خوشبختی و بدبختی انسان تا حدود زیادی بستگی به موفقیت یا شکست در این امر مهم و حیاتی دارد بهتراست در انتخاب همسر و شریک زندگی دقت زیادی کرد و تازمانی که از شایستگی و لیاقت فرد اطمینان حاصل نشده است، اقدامی صورت نگیرد و حتی وعده و

ص: 28

قول وقراری بیان نشود؛ بنابراین ضروری است از دیگر روش ها نیز کمک گرفته شود و با مراجعه مستقیم و حضوری به خانواده ی طرف مقابل و اطلاع از سطح فرهنگی اجتماعی، دینی و اخلاقی او و خانواده اش، اطمینان بیشتری حاصل شود و نیز با شناسایی دوستان نزدیک به دست آوردن اطلاع از همکاران و محل کار او، میزان آشنایی بیشتر شود.

نکته مهم در این رابطه آن است که وقتی از طریق چت ارتباط برقرار می گردد، به تدریج زمینه ی علاقه به یکدیگر فراهم می شود که چه بسا به وابستگی نیز بیانجامد. در صورتی که خواسته شود اطلاعات داده شده را در جلسه ی حضوری بررسی کرده و تصمیم گیری شود، باید توجه داشت که تصمیم گیری تحت تأثیر همان عشق و علاقه قبلی قرار نگیرد و واقعیت ها را آن گونه که هست دید.

ص: 29

## بد حجاب بی دین نیست ولی...

بعضی ها می گویند آدم هایی را می شناسند که بدحجاب هستند ولی بی دین نیستند. شما چه فکری می کنید؟ به نظر شما کسانی که یکی از اساسی ترین اصول و احکام اسلامی را رعایت نمی کنند و خود را آنقدر بالاتر از خدا می دانند که احکام و دستورات او را طبق سلیقه خود انتخاب می کنند، به آنهایی که دوست دارند عمل می کنند و آنهایی را که دوست ندارند نادیده می گیرند، می توانند انسانهای دینداری باشند؟

این افراد خود را برتر از احکام دین می دانند و همانطور که یکی از آیات قرآن کریم می گوید: «نؤمن ببعض و نکفر ببعض» به بعضی از احکام عمل می کنند و برخی دیگر را منکر می شوند.

□  
□

ص: 30

فراموش نکنید انجام ندادن برخی از کارها مثل نخواندن نماز و روزه نگرفتن، اثرات منفی فردی دارد ولی نادیده گرفتن حجاب آثار منفی اجتماعی دارد و در سست کردن بنیان خانواده ها مؤثر است.

برای مثال کسانی که نماز نمی خوانند تنها به خودشان آسیب می رسانند و با نادیده گرفتن دستورات الهی مورد غضب خداوند قرار می گیرند. این افراد برای جامعه مشکلی ایجاد نکرده اند و نتیجه بد عملشان تنها باعث ضرر رساندن به خودشان می شود. اما فردی را در نظر بگیرید که به حجاب خود اهمیت نمی دهد، ممکن است ظاهر نامناسب او عامل لغزش و ایجاد گناه در میان دیگر افراد جامعه گردد و به دیگران هم آسیب برساند.

تصویر



حتما می دانید که توجه به زیبایی و آراستگی ظاهر یکی از خصوصیات بارز دین اسلام است، امام علی (علیه السلام) آراستگی را یکی از ویژگی های خاص مؤمن می نامید. شما هم زمانیکه لباس جدید بر تن می کنید، عطر جدید استفاده می کنید و رنگ های شاد می پوشید حال و هوایتان عوض می شود؟

انسان ها به صورت ذاتی زیباپسند هستند، ژولیدگی و آشفتگی ظاهری با خواسته های فطری و روحی آدم ها در تعارض است و باعث ایجاد افسردگی و عدم تعادل روحی - روانی در فرد بی توجه به ظاهر خود می شود. به همین دلیل اسلام و ائمه (علیهم السلام) به زیبایی و نظافت و آراسته پوشی توجه زیادی نشان داده اند و بر استفاده از لباس تمیز و آراسته، شانه کردن موی سر، نظافت بدن و خوشبو کردن بدن و لباس ها تأکید داشته اند.

با این حال درست است که اسلام پیروان خود را به سمت خودآرایی دعوت می کند اما این توصیه تنها شامل ظاهر افراد نمی شود. از دیدگاه اسلام زیبا شدن به وسیله صفات نیکوی اخلاقی و پرورش معنویات از مراحل اصلی رسیدن به زیبایی

است. امام علی (علیه السلام) می فرماید زینت درونی از زینت ظاهری

مهم تر است.

در حقیقت اسلام با پرورش معنویات و زینت بخشیدن روح پیروانش، اعتدال در اخلاق را به آنها آموزش می دهد و بعد از آنکه اطمینان پیدا کرد آنها دچار سطحی نگری و اشتباه نمی شوند از آنها می خواهد تا به زیبایی های ظاهری خود بی توجه نباشند.

اسلام برای جلوگیری از افراط و تفریط در آرایش ظاهری چارچوب و حدود خاصی را برای پیروانش در نظر گرفته است به عنوان مثال از آنها می خواهد تا وسایل خودآرایی و یا مکان های که آراسته کرده اند حلال باشند و از راه مشروع تهیه شوند، آرایش آنها باعث اسراف سرمایه و استعداد نباشند، عامل تجمل پرستی و فخرفروشی نشوند، زمینه تحریک هواهای نفسانی دیگران را فراهم نکند و به معنای تقلید کورکورانه از دیگران نباشد. در حقیقت اسلام با این شرایط شیوه معقولی از خودآرایی را برای پیروان خود فراهم کرده است تا زیباپسند بودن تبدیل به مدزدگی نشود. منبع کتاب پرنیان

ص: 33

شما از چهره خودتان راضی هستید؟ دوستانتان چگونه؟

بعضی از دخترهای جوان چهره خودشان را دوست ندارند و دائم جلوی آینه می ایستند و فکر می کنند اگر شکل دیگری بودند حتما جذاب تر به نظر می رسیدند، مثلا اگر بینی کوچکتری داشتند یا گونه های برجسته تر، زیباتر می شدند.

این دخترها تمام خوشبختی و آینده خود را در شکل صورتشان می بینند و گاهی آنقدر در این کار زیاده روی می کنند که دچار بیماری های روانی می شوند و مثلا یک میلیمتر کوتاه بودن مژه برایشان تبدیل به مشکلی بزرگ خواهد شد.

استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله معتقد است (1)

روح انسان ها فوق العاده تحریک پذیر است و آدم های ظاهرپرست، هیچ وقت به چیزی که دارند راضی نمی شوند و همیشه به دنبال بهتر بودن و تغییر و تحول هستند. همین خواسته های زیاد انسانی باعث می شود تا آنها هرگز احساس خوشبختی نکنند و به آرزوهای خود نرسند و از دست رفتن آرزوهایشان باعث ایجاد بیماری های روحی و روانی در آنها شود.

ص: 34

## می خواهم فرشته باشم

شرایط زندگی اش رویه راه نبود. خانواده خوبی نداشت؛ به او توجه نمی کردند و برایشان مهم نبود چه می کند و چه نمی کند؟ بی مهری های پدر از یادش نمی رفت... اما اگر پسری به او توجه یا ابراز علاقه می کرد، اصلاً توجهی نمی کرد.

واقعاً برایم عجیب بود؛ چگونه می توانست با این شرایط، این قدر عزت نفس داشته باشد. یک بار از او پرسیدم: «چگونه ابراز محبت و توجه پسران برایت مهم نیست؟»

گفت: یک روز خانم نبوی مشاور مدرسه، سخنی از حضرت علی (علیه السلام) نقل می کرد:

«پاداش شهید در راه خدا بزرگتر از پاداش پاکدامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی گردد. انسان پاکدامن، فرشته ای از فرشته هاست.» (1)

پس چرا من فرشته نباشم؟

منبع: می خواهم فرشته باشم: مؤسسه خدمات مشاوره ای جوانان آستان قدس رضوی

ص: 35



## معیارهای انتخاب دوست

فرزندم! نخست دوست را برگزین، آن گاه سفر کن. امام علی (علیه السلام)

دوستی سرمایه گذاری انسان است و دوستان سرمایه های ثابت در معامله زندگی. کدام تاجر زیرک کالاهای سرمایه ای خود را بی معیار برمی گزیند؟ ما از محیط و اطرافیان خود به تدریج اثر می پذیریم، بنابراین باید انتخابمان براساس معیارهای محکم باشد تا شالوده ی شخصیتی ما را به خوبی پی ریزی کند. چه درست است این سخن که انسان بر دین و آیین دوست خویش است.

## خدایی بودن

دوستان خدایی دوستی شان پایدارتر است. هر دوستی که رنگ خدایی نداشته باشد، راه به جایی نمی برد و نمی توان بر آن تکیه کرد. امام علی (علیه السلام)

اساسی ترین عنصر در انتخاب دوست خدایی بودن آن است. هر شیرینی بدون خدا تلخکامی ماندگار است و هر سختی با خدا کامروایی است. دوستی برای خدا صادقانه است نه طمع کارانه. دوستی خدایی ارزش مدار است نه ظاهر گرا. دوست برای خدا به امتداد آخرت پایدار است و محدود به چند روز کوتاه دنیوی نخواهد بود.

ص: 36

جز باخردمند پرهیزکار همنشینی مکن و رازت را جز با مؤمن وفادار مگو. امام علی (علیه السلام)

دومین معیار انتخاب دوست خردمندی و فرزاندگی اوست. در زندگی روزمره با مسائل و حوادث گوناگونی رویه روییم و همراهی یک دوست خردمند راه حل مناسبی برای مسأله ماست. دوستان خوب، باهوش و اندیشه خود و با تکیه بر تجارب مفیدشان بی منت و صمیمانه یاریگر ما در چنین لحظاتی اند.

## صمیمیت

برتو باد به دوستی برادران صمیمی؛ زیرا آنان در وقت نعمت مایه ی زینت و در گاه سختی و مصیبت موجب حفظ آدمی اند. امام علی (علیه السلام) سومین معیار، صمیمیت و یکرنگی است. بسیاری هستند که دم از صمیمیت می زنند اما پای عمل که به میان می آید انسان را تنها می گذارند. اینان فقط دوستان لحظه های کامروایی و شیرینی اند. دوستی با برخورد از موضع مساوی آغاز می شود. هرگونه خودمحوری تابع بودن صرف، دوستی را تباه می سازد.

خوشبخت ترین مردم کسی است که با مردم بلندنظر و بزرگوار معاشرت کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

چهارمین معیار برای انتخاب دوست بزرگواری است. برخی، افراد بزرگی هستند اما برخی دیگر بزرگواری ندارند. بزرگی محصول توانایی جسمی و اندیشه ای است اما بزرگواری نتیجه ی توسعه روح و شخصیت. انسان بزرگوار امیدوار است، خوبی دیگران را می بیند و خدماتش بی منت است. او زینت و مایه ی آبروی ماست، بر بدی های دیگران صبور است، بلندنظر و بانشاط و خیرخواه دیگران است.

### دوستی های ممنوع

دوستی یک فرصت طلایی است که هم می تواند سرمایه ساز باشد و هم سرمایه سوز. در جامعه کسانی را می توانیم ببینیم که تأثیر مخربی بر دیگران دارند. برخی بیماری های اخلاقی شایع که با دوستی گروهی گسترش می یابند عبارتند از: دروغ گویی، فریبکاری، تقلب، خشم، پرخاشگری، حسادت، بخل، تعصب، ترس و اضطراب.

همنشین شایسته و بد مانند دارنده مشک و دمنده دم آهنگری است. دارنده مشک یا آن را به تو می دهد، یا آن را از وی می خری و یا از بوی خوشش بهره مند می گردی. اما دمنده دم آهنگری یا جامه ات را می سوزاند یا از بوی گندش اذیت می شوی. امام صادق(علیه السلام)

در تعالیم دینی ما دوستی با چهار نفر ممنوع شده است: دوستی با فرد احمق، بخیل، بدکار و دروغگو. امام علی(علیه السلام) به فرزندش امام مجتبی(علیه السلام) فرمود: از دوستی با احمق پرهیز کن؛ زیرا او می خواهد به تو سود رساند اما به تو ضرر می رساند. از دوستی با بخیل دوری کن زیرا او آنچه را که از هر چیز دیگر به آن محتاج تری از تو دور می کند. از دوستی با بدکار پرهیز چه این که او تو را در برابر اندک چیزی به آسانی می فروشد و از دوستی با دروغگو هم برحذر باش، زیرا او مانند سراب است، دور را نزدیک و نزدیک را دور نشانت می دهد.

منبع: کتاب آینه ام باش: مؤسسه خدمات مشاوره ای جوانان آستان قدس رضوی

هر روز به او می‌گفتم: این کارها عاقبت ندارد. تجربه‌های بد دوستان دیگرم را برایش مثال زدم، فایده‌ای نداشت؛ نمی‌خواست به خودش بیاید، هر روز با او قرار می‌گذاشت و با هم بیرون می‌رفتند.

گفته‌های من اصلاً روی او تأثیر نداشت... چشمانش کور شده بود و نمی‌توانست واقعیت را ببیند، گوشه‌هایش کور شده بود و نمی‌خواست حقایق را بشنود... از آن روزها، سالها می‌گذرد و من امروز بعد از سالها دوباره دیدمش، از ازدواج ناموفقش برایم گفتم، از پشیمانی‌هایش و... به یاد سخن حضرت علی (علیه السلام) افتادم:

«اگر کسی کورکورانه عشق ورزد، دیده بصیرتش کور می‌گردد و پنجه‌یچ پنددهنده‌ای را نمی‌شنود.»



### آهنگ نجابت

وقتی چشمهایت را به روی حرام های خدا می بندی، خدا ستاره هایش را در چشمهایت روشن می کند.

وقتی دستهایت را نذر نیکویی ها می کنی، شکوفه های تبسم و رضایت در دستان مهربانت می شکند.

وقتی از جاده های تلخ و تاریک گناه حذر می کنی و به کوچه باغهای خواب و مناجات او قدم می گذاری، اجابت است که از رد گام هایت می روید. وقتی مروارید زیبایی هایت را به صدف حیا و عفاف می سپاری، خدا دریا دریا تو را آبی

می کند. آنقدر آبی که آسمان به تورشک می برد. می دانی! آینه نگاهت همیشه شفاف و زلال است و دست هایت همیشه پاک و منزه.

وقتی با آهنگ نجابت و وقار پنجره دلت را به سمت زندگی امروز می گشایی، پروانه های صداقت و راستی روی گل های نجیب زندگی ات می نشینند. آنوقت عطر سربه زیر آیه های احساسات، کوچه ی امروز را سرشار می کند.

تو خوب می دانی آراستن و آراستگی مثل شکوفه های دامن بهار، مثل رنگین کمان و مثل شمع دانی های روی برف، چشم را به تماشا دعوت می کند و خوب تر می دانی که شبنم اگر روی لطافت گل بنشیند، چه تصویر بدیعی خلق می کند و چه چشم ها را مسحور خویش. و شاید این است که عمر گل به چشم بر هم زدنی می ماند.

ص: 42